

مذکور به بستگان حضرت باب و احبا نوشته شده است می خوانیم و از کم و کیف حال و وضع حضرتش آگاهی می یابیم.

### مکتوب حضرت باب خطاب به خال اصغر

"در یزد سید ۲۲۸ ملاحظه فرمایند"

هو العلی الاعلی العظیم مدّت زمانی است که از آن طرفها خبری نیست اگر چه سبب تراکم احزان است ولی دنیا را بقائی نیست که انسان را عوارضات عرضیه محزون سازد قال الله عز ذکره ان کان کل شیئی بقضائی و قدری فالحزن لماذا مکرر تأکید سفر زیارت بنا به خواهش حضرات خانه شده بود تعویق لایق نیست خصوص در تراکم این احزان دهریه که بلاهای ایشان شدید شده هرگاه فی الواقع باز بنای تأخیر است توقف یزد ایشان به مراتب شتی احسن است باذن ایشان حرکت فرموده باز تقلب از مکانی به مکانی رافع بعضی احزان خواهد شد تسامح نورزند در حق ایشان که منتهای تقصیر است و هرچه از تنخواه والده امر فرمایند بدهند اگر چه کلاً باشد و بقدر خردلی حزن ایشان طالب نبوده و نیستم خداوند اجر به ایشان عنایت فرماید چون ایامی است که موت ایض اعنی ویا اهل قریه را جراد منتشر کرده این صفحه را بحضور والده معروض داشته که خبری بشنوند اضطراب بهم نرسانند بعد از ملاحظه بشیراز بفرستند که به حضور ایشان برسد و مستفسرین حال ملاحظه نمایند اعنی سید ۹۲ و سید ۱۱۰ ۸ و هرکه اغیار نباشد دوستان را هم منظور نظر ذکر فرمایند و در هر حال جوهر ماقوع را اشاره فرمایند فانّا نقول رضینا الخ و الحمد لله..."

### مکتوب آقا میرزا هادی پسر سید مهدی طباطبایی به خال اصغر

هو الحفیظ تعالی شأنه عریضة العبودیة و الخلوص ۱۰ در دارالعباد یزد در سرای خان به نظر مبارک سرکار عالی جناب غنی الالقاب سلاله الاطهار و الاطیاب ۱۱ جناب حاج میرزا حسنعلی تاجر شیرازی برسد.

فدایت شوم، الیوم که یوم سه شنبه بیست و سیم شهر رجب المرجب است صحیح و سالم در دارالسلطنه قزوین هستم و چند روز است که از خدمت سرکار اشرف و اقدس روحی فداه صلی الله علیه مرخص شدیم و اجمال احوال بدین منوال است که سرکار اشرف بکمال عزت و حرمت و بتمام آسودگی و رفاهیت در مکان معهود که عبارت از ماکو باشد هستند و مخلص در آخر شهر جمادی الثانی از ایشان مفارقت نمودم و اینکه مشهور شده بود که کسی را به خدمت ایشان راه نمی دهند کذب صرف و خلاف محض بوده الی حال چندین نفر از مردمان معقول از